

پول بدید تا تکلیف ندیم!

مشق شب والدین

معلمان فرصت کافی برای تدریس ندارند بار آموزش را روی دوش خانواده‌ها می‌اندازند

از نگاه دانش آموزی که واردمدرسه می‌شود «مشق شب» بدترین چیزی است که وجود دارد. «شکنجه»، «استرس»، «اضطراب» و «کار بی‌هوده». اینها توصیف دانش آموزان از مشق شب است، هر چند طبق پژوهش‌های انجام‌شده دانش آموزان باید به ازای هر مقطع تحصیلی، ۱۰ دقیقه تکلیف درسی روزانه داشته باشند و در مقاطع بعدی ۱۰ دقیقه دیگر به آن اضافه شود. اما این مسئله در عمده مدارس رعایت نمی‌شود، چراکه از یک سو حجم کتب درسی و کمک‌درسی زیاد و از سوی دیگر زمان آموزش کم است، بنابراین وقتی معلم نمی‌تواند کتاب‌های قطور را سر کلاس آموزش دهد، ناچار است از برخی محتوای درسی به سرعت عبور کند و آموزش اصلی آن را با تمرین بیشتر به خانه حواله دهد! اما در خانه جایی برای درس خواندن نیست، دانش آموز خسته است و بازگوشی می‌کند و مادران و پدران هم که تحمل سر باز زدن او از درس و مشقش را ندارند، بنابراین از کوره در می‌روند و نتیجه‌اش دلزدگی دانش آموزان نسبت به درس و مدرسه می‌شود. دانش آموزان در طول سال‌های متعددی هیچ وقت نفهمیده‌اند که نوشتن مشق و حفظ دروس بدون آنکه درک کافی از آن داشته باشند، در کجای زندگی‌شان کاربرد دارد. بسیاری از کارشناسان بر این باورند که تکلیف غیر ضروری به دلیل تحمیل حجم زیادی از استرس، بیش از آنکه مفید باشد، به دانش آموز آسیب می‌رساند، اما بسیاری دیگر نیز اعتقاد دارند تکلیف شب مزیت‌های زیادی برای دانش آموزان خواهد داشت. به این دلیل که به آنها کمک می‌کند بیرون از کلاس با استقلال بیشتری فکر کنند، اما این در شرایطی است که حجم تکلیف در منزل به نحوی باشد که دانش آموز را به استقلال و تفکر وادارد، نه اینکه به دلیل حجم زیاد این تکالیف، دنبال بهانه تشریحی و فرار باشد.



تکلیف والدین با «تکلیف» چیست؟

آنهایی که فرزند مدرسه‌ای دارند کلافه هستند و نمی‌دانند با تکالیف درسی فرزند خود چگونه برخورد کنند. اگر با او همراه شوند و بخواهند برای تفهیم محتوای درسی کمک‌حالش باشند، ممکن است دانش آموز را در انجام تکالیفش به خود وابسته کنند و به ناچار تا سال‌های سال برای انجام مشق شب او را همراهی کنند، اگر هم بخواهند فرزندشان را به حال خود بگذارند و بگویند که خودت تمرین‌های درسی‌ات را حل کن، ممکن است سبب افت تحصیلی دانش آموز شود. متأسفانه دانش آموزان در هر مقطع تحصیلی باره‌وروشی خاص که عمدتاً والدین آن را انتخاب کرده‌اند، دروس را مرور می‌کنند، بنابراین باید سازوکار مشخصی برای انجام تکالیف درسی وجود داشته باشد تا والدین و دانش آموزان را از این سر درگمی نجات دهد.

مدرسه محل مبارزه نیست

بارها و بارها کارشناسان آموزش و پرورش بر تکالیفی که مهارت‌محور باشد، تأکید کرده و گفته‌اند این نوع از تکالیف باید جایگزین مشق نوشتن شود، اما به نظر می‌رسد گوش مسئولان به این حرف‌ها به‌هنگام ندهد. امیرحسین سلطانی فلاح، کارشناس تعلیم و تربیت در رابطه با مشق شب زیاد دانش آموزان به «جوان» می‌گوید: «تعدادی از مدارس، تکالیف سنگینی به بچه‌ها می‌دهند و بعد از ساعات آموزشی حضوری، کلاس‌های مجازی نیز برگزار می‌کنند. این مدارس بیشتر از آنچه مفید باشند، آسیب‌زا خواهند بود. البته، البته مدارس خوبی هم پیدا می‌شود که فشار زیادی را بر دانش آموز برای انجام تکلیف در منزل وارد نمی‌کنند و این نکات را به خوبی می‌فهمند.» او ادامه می‌دهد: «باید ابتدا این موضوع را بپذیریم که ایجاد می‌شود، یک مبارزه کاذب خواهد بود. باید دانش آموزان درک کنند که مبارزه اصلی در زندگی است و مدرسه باید آنها را آماده کند.» سلطانی فلاح به آسیب‌هایی ناشی از فشار بیش از حد بر دانش آموزان نیز اشاره می‌کند و می‌گوید: «گاهی دانش آموزان به کلاس‌های متعددی می‌روند تا همه دروس را ۲۰ بگیرند. در این مواقع «خانواده» و «مدرسه» و به طور کلی «نظام آموزش و پرورش» به او تلقین می‌کند که باید در این رقابت عجیب، پیروز شود و حتماً اول باشد. بر فرض هم که اینطور شود، وقتی او در ۱۸ سالگی وارد دانشگاه، بازار کار و جامعه شود، هنگام مواجهه با اولین شکست، می‌شکند. از آنجا که این بچه اصلاً باختر را بلد نیست، ممکن است درگیر آسیب‌های اجتماعی شود.»

او می‌گوید: «وقتی به بچه‌ها مشق شب داده می‌شود، باید مسئله مهارت‌محوری آن مدنظر قرار گیرد و تکالیف عملیاتی جایگزین نوشتن مشق شب شود. برای مثال در درس اجتماعی مقطع ابتدایی، احترام به بزرگ‌ترها آموزش داده می‌شود، به جای اینکه معلم به دانش آموز بگوید که برو خانه و کار برگ پر کن، بگوید برو خانه و با پدر بزرگ و مادربزرگ تعامل بگیر و پنج دقیقه با آنها صحبت کن، آن بچه‌ای که قرار است احترام به بزرگ‌تر را یاد بگیرد، در همین تماس تلفنی یاد خواهد گرفت اما این یادگیری در کار برگ درسی تغییر نمی‌شود، او به ضرورت تغییر کتب درسی در جهت مهارت‌محوری نیز اشاره می‌کند و اظهار می‌دارد: «اگر ملاک بر این است که آموزش و پرورش حرکت صحیحی در کمتر شدن مشق شب داشته باشد، باید کتب درسی تغییر کند و مهارت‌محور شود. نباید اینطور باشد که کتاب درسی، تمرین‌های تئوری بدهد اما از معلم توقع داشته باشیم خودسرانه، تمرین‌های عملی برای دانش آموزان تعریف کند.»

به نظر می‌رسد میزان تمرین در منزل باید بر اساس سن و مقطع تحصیلی دانش آموزان باشد. همچنین کاربرد بودن تمرین‌ها و مهارت‌محور بودنشان باید مدنظر مسئولان آموزش و پرورش قرار گیرد. در واقع «مشق شب» باید به گونه‌ای تعیین شود که دانش آموز را خسته نکند و بدون هیچ تشنگی به موفقیت او نینجامد.

دانش آموزانی که تکلیف روزانه ندارند نمرات بهتری می‌گیرند

موضوع تکلیف در منزل یک موضوع علمی و پژوهشی است که باید به صورت کارشناسانه‌ای مورد بررسی قرار گیرد. در بسیاری از کشورهای پیشرو در آموزش، تکالیف مدارس، سال‌هاست به عنوان یک بحث علمی مورد ارزیابی قرار گرفته است. یکی از معتبرترین تحقیقات علمی در این رابطه از سوی «هریس کورپر» استاد روان‌شناسی دانشگاه «دوک» انجام شده است. او در تحقیق خود از سال ۱۹۸۷ تا ۲۰۰۳ وضعیت دانش آموزان را در زمینه تکلیف شب و تأثیر آن روی میزان یادگیری آنها انجام داده و به نتیجه جالبی رسیده است. نتیجه تحقیق این استاد دانشگاه نشان می‌دهد دانش آموزان نباید بدون تکلیف باشند، اما از سویی یک کودک دوم دبستانی هم نباید روزانه دو ساعت مشق بنویسد. این چیزی است که به آن قانون ۱۰ دقیقه می‌گویند. کودکان بر اساس پایه تحصیلی خود باید روزانه ۱۰ دقیقه مشق بنویسند. اما از سویی یک کودک دوم دبستانی هم نباید روزانه دو ساعت مشق بنویسد. این چیزی است که به آن قانون ۱۰ دقیقه می‌گویند. کودکان بر اساس پایه تحصیلی خود باید روزانه ۱۰ دقیقه مشق بنویسند. اما از سویی یک کودک اول دبستانی هم روزانه ۱۰ دقیقه و برای دوم دبستانی‌ها ۲۰ دقیقه باشد، اما هر س کوپر مخالفانی هم دارد، «کچی وارلوت» استاد آموزش در دانشگاه «میزوری» در این رابطه در نقد تحقیق کوپر به مجله تایمز گفت: «ارتباط بین موفقیت و مشق شب کودکان به این منظور نیست که مشق عامل موفقیت است. مشق عامل موفقیت است یا دانش آموز موفق است یا دانش آموز موفق، مشق خود را انجام می‌دهند؟! وارلوت اعتقاد دارد کیفیت تکالیف باید تغییر کند و از سویی کودکان در سن پایین هم اصلاً نباید تکلیفی داشته باشند. سازمان همکاری‌های اقتصادی در این رابطه یک نتیجه عجیب حرف وارلوت را تأیید می‌کند، دانش آموزانی که تکلیف شب ندارند، نمرات بهتری می‌گیرند! نتایج این تحقیق باعث شده است در سال‌های اخیر ساعات مشق شب در کشورهای مختلف به شدت کاهش پیدا کند، سازمان همکاری‌های اقتصادی در همین رابطه آماری منتشر کرده است که نشان می‌دهد در بسیاری از کشورها مشق شب در دبستان‌ها حذف شده است، البته بحث‌های علمی درباره حذف مشق شب در کشورهای دیگر همچنان ادامه دارد و آنها هر کدام برنامه متفاوتی دارند، اما مطالعات انجام‌شده یک موضوع را قطعی کرده است، مشق بیشتر، الزاماً به تعلیم و تربیت بهتر منجر نمی‌شود.

پول بیشتر بدهید تکلیف نداشته باشید!

برخی مدارس غیر دولتی در ازای گرفتن پول بیشتر، برنامه «عصرمانی» (After school) برای دانش آموزان‌شان تدارک می‌بینند، به این ترتیب که بعد از اتمام کلاس درسی، یک معلم سر کلاس درس حاضر می‌شود و تمرین‌هایی را که معلم قبلی به خانواده محول کرده است همراه بچه‌ها انجام می‌دهد. به عبارتی برخی مدارس غیر دولتی با دادن تمرین‌های متعدد به دانش آموزان، درآمذایی می‌کنند و در ازای گرفتن پول با دانش آموزانی که خانواده‌های‌شان فرصت کافی برای تمرین با او ندارند، تمرین حل می‌کنند.

اما یکی از معلمان که در مدرسه غیر دولتی بالای شهر تهران کار می‌کند، روایت متفاوتی از کلاس‌های «عصرمانی» دارد. او می‌گوید: «یکی از امتیازات مدرسه‌ای که در آن تدریس می‌کنم، خدمات «عصرمانی» برای خانواده‌هاست. این گونه که همه بچه‌ها از پیش‌دبستانی تا کلاس پنجم در یک کلاس می‌نشینند و تکالیف‌شان را انجام می‌دهند. در این بین یک معلم هم بالای سرشان است که اگر سؤالی دارند از او بپرسند. آنها باید ساعات زیادی را منتظر بمانند تا والدین‌شان دنبال‌شان بیایند. بارها اضطراب این دانش آموزان را دیده‌ام که گاهی به دلیل حضور طولانی‌مدت در مدرسه، دچار خستگی و اختلال عصبی شده‌اند چراکه دوست دارند مثل همکلاسی‌های‌شان به خانه بروند و پیش خانواده‌شان باشند، البته برخی از خانواده‌ها می‌گویند که چاره‌ای جز این کار ندارند، چراکه پدر و مادر هر دو شاغلند و وقتی برای تمرین با فرزند خود ندارند.»

تلباری می‌شود. بهار هم دانش آموز دیگری است که در مقطع سوم ابتدایی و در مدرسه دولتی درس می‌خواند. او درباره تکالیف مدرسه‌اش این گونه توضیح می‌دهد: «ساعت ۱۲/۵ به خانه برمی‌گردم و تا ناهار بخورم و خستگی در کنم، بعد از ظهر می‌شود. امروز خانم معلم گفته که از عدد هزار و ۱۰ تا هزار و ۳۰ یک مرتبه به صورت عدد و حروف بنویسم. چندین سؤال هم در دفتر ریاضی است که باید به آنها جواب بدهم. فردا امتحان دیکته داریم، باید از روی کتاب فارسی تمرین کنم. قرار است یک نمایش هم اجرا کنیم که در آن من نقش «گل» را دارم. برای همین باید متن مربوط به «گل» را حفظ کنم. از صفحه ۳۶ کتاب نگارش هم باید رونویسی کنم. تا همه اینها را انجام دهم، وقت خوردن شام و خوابیدن است!» اما یکی دیگر از دانش‌آموزان به نام «طاها» که کلاس اول است، وقتی اسم مشق می‌آید، لحن صدایش تغییر می‌کند و می‌گوید: «مشق» ما زیاد است، دستم درد می‌گیرد.» او درباره درس مورد علاقه‌اش می‌گوید: «ریاضی را خیلی دوست دارم، اما دلم نمی‌خواهد مشق زیاد داشته باشم.»

دست درد به خاطر مشق

دانش آموزان ابتدایی در سنی نیستند که از آنها توقع داشته باشیم، دوسه ساعت یک جا بنشینند و درسی را که آن روز یاد گرفته‌اند، تمرین و مرور کنند. آنها به دنبال بازی و تفریح هستند و حداقل دوسه سال زمان می‌برد تا توانایی یک جا نشستن و انجام تکالیف را پیدا کنند، به همین دلیل است که اگر از این بچه‌ها بپرسید کدام درس را بیشتر از همه دوست دارید، اسم «ریاضی» و «علوم» را خواهند برد، چراکه این دو کتاب بیشتر بر پایه بازی و سرگرمی طراحی شده‌اند.

امیرعباس کلاس دوم است. او درباره مشق روزانه‌اش می‌گوید: «خانم معلم هر روز یک صفحه دیکته، پنج سؤال ریاضی، سه سؤال نگارش و ۱۰ دقیقه مطالعه را به عنوان تکلیف در خانه تعیین می‌کند. هر روزی که نتوانیم مشق بنویسیم، جریمه می‌شویم.» روز بعد باید دوبار مشق بنویسیم. «ریاضی را خیلی دوست دارم اما دلم نمی‌خواهد مشق زیاد داشته باشم.»

تلباری می‌شود. بهار هم دانش آموز دیگری است که در مقطع سوم ابتدایی و در مدرسه دولتی درس می‌خواند. او درباره تکالیف مدرسه‌اش این گونه توضیح می‌دهد: «ساعت ۱۲/۵ به خانه برمی‌گردم و تا ناهار بخورم و خستگی در کنم، بعد از ظهر می‌شود. امروز خانم معلم گفته که از عدد هزار و ۱۰ تا هزار و ۳۰ یک مرتبه به صورت عدد و حروف بنویسم. چندین سؤال هم در دفتر ریاضی است که باید به آنها جواب بدهم. فردا امتحان دیکته داریم، باید از روی کتاب فارسی تمرین کنم. قرار است یک نمایش هم اجرا کنیم که در آن من نقش «گل» را دارم. برای همین باید متن مربوط به «گل» را حفظ کنم. از صفحه ۳۶ کتاب نگارش هم باید رونویسی کنم. تا همه اینها را انجام دهم، وقت خوردن شام و خوابیدن است!» اما یکی دیگر از دانش‌آموزان به نام «طاها» که کلاس اول است، وقتی اسم مشق می‌آید، لحن صدایش تغییر می‌کند و می‌گوید: «مشق» ما زیاد است، دستم درد می‌گیرد.» او درباره درس مورد علاقه‌اش می‌گوید: «ریاضی را خیلی دوست دارم، اما دلم نمی‌خواهد مشق زیاد داشته باشم.»

بار آموزش روی دوش خانواده‌ها

والدین دانش آموزان به خصوص دانش آموزانی که در مقطع ابتدایی تحصیل می‌کنند، یا به پای فرزندشان مشق شب می‌نویسند، آنها مدام به فرزند خود تشریح می‌زنند که دستم از شیفتن و بازگوشی بکشد و پای درس و مشقش بنشینند. این والدین از دعوا و مشاجره روزانه فرزندشان بر سر انجام تکالیف مدارس‌شان می‌گویند. خانم ولی‌زاده، مادر یک دانش آموز مقطع دوم ابتدایی است. او درباره مشکلات مشق شب فرزند خود این گونه توضیح می‌دهد: «گاهی معلم دترم تکالیفی می‌دهد که انتظار این تکالیف برای من نوشته شده است و نه برای فرزندم. نوع تمرین دادن و ساخت کار دستنی به گونه‌ای است که دترم به تنهایی از عهده آن بر نمی‌آید و نیاز به کمک دارد، به همین دلیل از روز اول مهرماه و آغاز سال تحصیلی تا روز آخری که مدارس سایر است، بیشتر وقتم را برای آموزش یا همراهی نوشتن تکالیف او می‌گذرانم. به نظر من معلمان از آموزش و تمرین بچه‌ها دست کشیده‌اند و بار آموزش را روی دوش پدران و مادران انداخته‌اند.»

افاق عسرتی پدر یک دانش آموز مقطع اول ابتدایی است. او هم از حجم بالای تکالیف در منزل فرزندش گلانه می‌کند: «هر حالی که در کشورهای پیشرو در آموزش، تکلیف در منزل به این شکل وجود ندارد و بچه‌ها در مدرسه آموزش کافی می‌بینند و فرصت کافی برای تمرین دارند، نظام آموزشی در کشور ما به گونه‌ای است که به بچه‌ها باید با خانواده خود در منزل تمرین کنند و کار دستنی بسازد اما این کارها در سایر کشورها با همراهی معلم و در کنار همکلاسی‌ها انجام می‌شود.» او می‌گوید: «معلم کلاس پسرم یکسری تکلیف برای خانواده‌ها می‌دهد، مثلاً اینکه باید مواد آموزشی را رنگ آمیزی کنند یا حتی لوحه‌هایی دارند تا بچه‌ها کمک آنها کلمات آشنا شوند، در صورتی که می‌شود با یک مدیریت صحیح این کارها را پیش از آغاز سال تحصیلی و در مدرسه انجام و با جاب و تکنیک‌شان، آنها را در اختیار دانش آموزان قرار داد، همانگونه که در سال‌های گذشته این موارد از سوی معلم و مدرسه انجام می‌شد اما همه کارها را بر دوش خانواده‌ها انداخته‌اند.»

یکی دیگر از والدین که دو فرزند دارد و هم از تکالیف اضافه‌ای که دانش آموزان باید در منزل انجام دهند، به سسته آمده است: «یک دختر اول ابتدایی دارم و دختر دیگر هم سه سالش است. هماهنگی رفت‌وآمد مدرسه دختر بزرگ‌ترم در کنار تمرینی که برای خانه دارم، بسیار برایم سخت است چراکه وظیفه رسیدگی به دختر کوچک‌ترم را هم دارم. مدرسه هر کاری را که می‌خواهد بر دوش ما می‌اندازد و اصلاً گاهی فکر می‌کنم عمده آموزش کتاب را به خانه و خانواده می‌سپارد.» او ادامه می‌دهد: «دتر من کلاس ورزش هم می‌رود اما به دلیل تکالیف سنگینی که به او محول می‌شود، هیچ فرصتی برای فعالیت‌های ورزشی‌اش ندارد. متأسفانه سیستم رقابتی مدارس و اضافه شدن کتاب‌های کمک‌درسی مشکلات را دوچندان کرده است که باید مسئولان فکری برای آن کنند.»

